



گفتگو

روایت مجازی

این تو بمیری از آن تو بمیری ها نیست



قدس زندگی: ماجرای تولد کشوری جدید به نام «پادشاهی کوه زرد» (مملکه الجبل الأصفر) در سرزمینی میان مصر و سودان، تقریباً یکی از داغ‌ترین سوژه‌های این روزهای فضای مجازی در دنیاست. ماجرا از چند روز پیش آغاز شد که زنی به نام «تادره ناصیف» که ملیت لبنانی - آمریکایی دارد، با انتشار فیلمی در فضای مجازی، خود را نخست‌وزیر کشور تازه تأسیسی به نام «پادشاهی کوه زرد» معرفی کرد. خاتم نخست وزیر در یک پیام ویدئویی ۶ دقیقه‌ای گفت، از سوی پادشاهی این کشور سخن می‌گوید و اعلام کرد اعلامیه رسمی آغاز این پادشاهی در کنفرانسی در شهر اودسای اوکراین تهیه شده است. نخست‌وزیر کشور کوه زرد البته نام شرکت‌کنندگان در این کنفرانس و همچنین هویت پادشاه این کشور نوظهور را اعلام نکرد. ناصیف که به زبان عربی صحبت می‌کرد، در بخشی از پیام اینترنتی‌اش اعلام کرد این پادشاهی «مملکت صلح» است که بر پایه‌های «حقوق بشر» ساخته شده تا انسان‌ها با عزت و زیر سایه حقوق مشروع و مدنی زندگی کنند!

جهت‌گیری کلی سیاست‌های این پادشاهی هنوز برای هیچ‌کس مشخص نیست، ناصیف‌البنه در سخنرانی‌اش از حمایت از محیط زیست، توسعه پایدار و ثبات پادشاهی به عنوان اصول کلی حکومتداری صحبت کرد. خاتم نخست‌وزیر همچنین در پیامی توئیتری به زبان انگلیسی از تغییرات آب و هوایی به عنوان «مسئله اصلی زمان» یاد کرد که «نیاز به تلاش بی‌سابقه همه بخش‌های جامعه دارد». ناصیف هنوز حرفی از اینکه جمعیت این کشور چند نفر است یا معیارهای شهروندی این کشور و منابع تأمین درآمد آن چیست و اینکه آیا «پادشاهی کوه زرد» قرار است به رسمیت شناخته شود یا خیر، نزده است. خبر تشکیل این کشور اما به یکی از ترندهای داغ توئیتر و فیس‌بوک تبدیل شده است. کار حتی به جایی رسیده که بعضی از مقامات مصر هم به این ماجرا واکنش نشان داده‌اند، اما مقامات رسمی این کشور هنوز نمی‌دانند ماجرا تا چه

اندازه جدی است و باید به آن واکنش رسمی نشان دهند یا خیر! با وجود تمام این حواشی، کارشناس‌های بین‌المللی و سیاسی می‌گویند طرح تشکیل یک کشور جدید به هیچ وجه شوخی نیست و تأسیس این «کشور» هم‌زمان با تصمیم آمریکا برای اعلام طرح «معامله قرن» برای منطقه صورت گرفته است و «پادشاهی کوه زرد» قرار است جایگزین کشور فلسطین شود. هانی رسلان، کارشناس برجسته مصری در امور سودان، یکی از افرادی است که این تئوری را مطرح کرده است. آقای کارشناس انتشار بیانیه ظهور «پادشاهی کوه زرد» را اقدامی خطرناک می‌داند که باید با آن برخوردی محکم و سریع شود.

«آمین سلامه» کارشناس حقوق بین‌الملل در دانشگاه قاهره هم می‌گوید: «پدیدار شدن این دولت جدید نه جوک است و نه هجو، اما مصر به هیچ وجه با این مسئله ارتباطی ندارد».

بعضی از کاربران هم ماجرا را ربط داده‌اند به سخنرانی چند روز پیش بنیامین نتانیاهو که وعده داده بود در صورت پیروزی در انتخابات پیش رو و تشکیل کابینه جدید، شهر ک‌های صهیونیست‌نشین کرانه باختری و بخش‌های مهمی از این منطقه را به فلسطین اشغالی ملحق می‌کند.

این البته نخستین بار نیست که کسی از تولد یک کشور در سرزمین «بئر‌الطویل» صحبت می‌کند. پیش از این هم در ژوئن ۲۰۱۴ یک آمریکایی به نام جرمیا بیتون از مصر به این منطقه سفر و خبر تأسیس «پادشاهی سودان شمالی» را در این منطقه اعلام کرد. او خود را رئیس این دولت و دخترش امیلی را که در آن زمان تنها ۶ سال داشت «شاهزاده» این کشور خواند اما کارشناس‌ها و کاربران فضای مجازی می‌گویند این تو بمیری از آن تو بمیری‌ها نیست، چون این بار قضیه کمی جدی شده و هیچ جوهره نمی‌شود ماجرای تشکیل پادشاهی کوه زرد را تنها یک جوک یا شوخی توئیتری دانست.

روزمره نگاری

رقیه توسلی

عقربه‌ها را دنبال کنم

سکائس اول:انگار مدت طولانی پیگیر عقربه‌هایم و دارم پرویز به ساعت دیواری نگاه می‌کنم که «گل ترمه» هوار می‌شود روی سرم که: والای خالام از دست رفتم... خالام چپول شد.

امان از دست بچه‌ها! مجبورم می‌کنم راز را بر ملا کنم و از فکر لذتیم برایش بگویم... از خوشی دنباله‌دار «ساعت بازی». مجبورم می‌کنم حسم را بریزم روی دایره.

دختر بی تاب خواهر، ول کن ماجرا نیست. تازه خوشش آمده دستی بر آتش بگیرد و ساعت‌باز بعدی خودش باشد.

شروع می‌کنیم. چفت هم می‌نشینیم و زُل می‌زنیم به دایره بزرگ توی هال. به دایره‌ای که ۱۲ عدد دارد و سه عقربه رنگی.

می‌پرسد: صبح، ظهر یا شب؟ عده‌هایت را بده.

با حال خوشبندی عقربه‌های قرمز و سیاه را دنبال می‌کنم و کیفور می‌گویم:

۳ بعدازظهر، ۴ صبح، ۷ شب.

«گل ترمه» نیم‌رخ و عمیق نگاهم می‌کنند... یعنی چرا؟

چشم در چشم ساعت جواب می‌دهم: همسن تو که بدم بعدازظهرها دوروبر ۳ دنیایی داشتیم از دورمی و قسه و بازی. مژه اش عجیب زیربازمان مانده گلی جان.

و عاشق ۴ صبح ام، چون فکر می‌کنم این ساعت واقعاً نردبانی می‌اندازند تا هر که دلش می‌خواهد بیدار شود یکسر برود تا آسمان. احساس می‌کنم آن وقت، خدا سسرش حسابی خلوت است و مهربان تر به تک تک جمله‌هایم گوش می‌دهد.

و اما ۷ شب. این ساعت برای من پُر از تصمیم‌گیری است و از هر زمان دیگر سرشلوغ‌ترم.

چه بیزم؟ چه نخورم؟ کدام برنامه را بریزم؟ تازه درمیان برمی دارم و رفتار طول

روزم را بررسی می‌کنم. اینکه کدام حرف، لباس، فکر، غذا، هدف و کلامی را درست یا غلط انجام داده‌ام.

سکائس دوم: گلسی دارد تصویری را مادرش گپ می‌زند... درباره راز اعداد

ساعت ۵ عصر است... من سوپ جو می‌پزم و او انگار می‌خواهد ساعت‌باز‌های

بیشتری به جمعمان اضافه شوند.

مجموعه داستان‌های عاشورایی به قلم سیدمحمد سادات اخوی منتشر می‌شود

«گوشه ششم عاشقی» برای نوجوانان



گزارش فروش فصل تابستان چه می‌گوید؟

فصل فراموشی سینما در راه است

استاد «عبدالحسین زرین کوب» ۲۴ شهریور ۱۳۷۸ درگذشت

ماجرای اعتراف در یک «سکوت»

امجد تربست‌زاده! گاهی یک شخص اثری تولید می‌کند و بعد به اشتباه خود پی می‌برد، اما پس از آن برخی به دلیل منافع خودشان اصرار دارند که بگویند هویت و تفکر فلائی همان است که اول گفته. مرحوم «عبدالحسین زرین کوب» هم شاید از همین دسته باشد که خود به اشتباهش اعتراف و آن را جبران کرد، اما در فضای مجازی امروز که بگردی چیزی جز همان حرف اول زرین کوب نمی‌بایی... حالا حقیقت ماجرا چیست؟

با کاروان حله

«با کاروان حله، شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب، پله پله تا ملاقات خدا و...» از جمله آثار ارزشمند و تخصصی ادیبی است که خلیلی‌ها اصرار دارند او را فقط مورخ زبردستی بدانند. زرین کوب، اسلام‌شناس و ایران‌شناس هم بود و از فلسفه معاصر غرب و فلسفه یونانی هم بی‌خبر نبود. خودش در این باره می‌گوید: «در هر زمینه‌ای که کنجگرایم برانگیخته می‌شد بی‌احساس ملالی به تجسس پرداختم و از هر تجسس، وادی تازه‌ای برایم پیش آمد. به زمان و نمایش‌نامه جلب شدم، از روان‌شناسی سر در آوردم، به جامعه‌شناسی وارد شدم. از فلسفه‌ای که ولادیمیر ایلیچ بخوانید: هنوز اسفند ماه بود و یکی دو روز مانده به سال ۱۳۰۳ که «عبدالحسین» در بروجرد به دنیا آمد. برای همین است که در زندگی‌نامه خودنوشتش گفته است: «من هر سال که نوروز می‌آید، دو سه روز از نوروز پیرترم!» پدرش «استاد عبدالکریم عبائی» تا پیش از ۴۰ سالگی زرگر بود و پس از آن زرگری را رها کرده و رفتن بود پی کشاورزی. عبدالحسین تحصیلات ابتدایی را در بروجرد تمام کرد. پدرش چندان موافق دبیرستان رفتنش نبود اما با وساطت فامیل، مسلمان و ایسن و آن، از فرزندش قول گرفت در طول سال تحصیلی، عصرها و در تابستان صبح‌ها در مدرسه دینی بحرالعلوم دروس دینی را بخواند.

عبدالحسین به قولش وفادار ماند و حاصلش آشنایی با فقه، تفسیر و ادبیات عرب بود که به قول خودش: ... البته از سطح تجاوز نکردا برای خواندن سال ششم دبیرستان مجبور شد به تهران برود و مدتی آنجا ماندگار شود. کتاب‌های سال چهارم و پنجم را نخوانده بود اما در میان تمام دانش‌آموزان کشور در رشته «دبی» رتبه دوم را بدست آوردا از نوجوانی برای خودش آقای مطالعه شده بود و همدش کتاب‌هایش بودند.

کتاب خواند و خواند...

از یک سو نزد شیخ ابوالحسن شعرانی «شرح تجرید» و «هدایت مبدی» را می‌خواند و از سوی دیگر و در آشنایی با روشنفکران جوان، به مطالعه آثار نیچه، جیمز فریزر، هوبرت اسپنسر و... مشغول بود. به مطالعه شعر و ادبیات عرب هم علاقه‌مند بود اما از آموزش زبان‌های خارجی از انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و ایتالیایی هم‌فراموش نمی‌کرد. پس از تحصیلات متوسطه مدتی مانده بود به مدرسه نظام و افسری برود تا معلمی کند؛ سرانجام معلمی را ترجیح داده بود. با اینکه در رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شده بود به اصرار پدر به بروجرد بازگشت. می‌گویند رئیس دانشکده حقوق -علی اکبر دهخدا- برای از دست دادن چنین دانشجویی بارها ابراز تأسف کرد. در بروجرد معلمی کرد و کتاب خواند... کتاب خواند.

در ایران را بیان می‌کند، برخی‌ها کوشیده‌اند این مناظره را دلیل بر اختلاف‌نظر عمیق و تقابل این دو نفر در همه زمینه‌ها بدانند. دکتر «روزبه زرین کوب»- استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران اما در واکنش به این تلاش‌ها گفته است: «به نظر من تقابلی در نظرگاه این دو استاد وجود ندارد، آن‌ها از دوستان نزدیک یکدیگر بودند و تا یک هفته پیش از شهادت آیت‌الله مطهری، ایشان در منزل مرحوم ادامه داد. با این حساب شما آ یا هنوز دوست دارید استاد را سلیقه هیچ‌گاه آن‌ها را در تقابل با یکدیگر قرار نداد و حسن همنشینی آن‌ها را زیرسوال نبرد».

خیلی بی‌رحمانه

آنچه شبیه‌کهای اجتماعی و تکثیر کنندگان روحیه نژادپرستی کمتر گفته یا درباره آن سکوت کرده‌اند، اول این است که استاد زرین کوب در دو قرن سکوت، از چه شرایط و کدام جریان‌ها تأثیر می‌پذیرد که تا تاریخ‌اش با احساسات ملی و میهنی گره می‌خورد و خیلی بی‌رحمانه، یک خرداد تاریخی را محکوم و با خاک یکسان می‌کند؟ برای پیدا کردن پاسخ این پرسش بخشی از نوشته‌های دورانی است که مرحوم زرین کوب بدون اطلاع از ماهیت فراماسونری جذب آن می‌شود، اما پس از پی بردن به ماهیت چنین تشکیلاتی از آن فاصله می‌گیرد، حتی صادقانه در مقام نقد خود برآمده، از این اثر، شجاعانه تبری می‌جوید... «جالب اینکه از نویسندگان سرشناس آن دوره تاریخی، تنها زرین کوب نیست که با این سبک و سیاق و روحیه و لحنی که از روحیه یک محقق و مورخ فاصله دارد، می‌نویسد. آیا می‌شود باور کرد نگارش نمایش‌نامه «شورین دختر ساسان» توسط صادق هدایت، انتشار کتاب «هزار بار» توسط مجتبی مینوی که سلمان فارسی را اهریمن‌نژاد معرفی می‌کرد یا آثار «سعید نفیسی» که در آن به‌شدت به اعراب می‌ناخت، در این دوره زمانی خاص، فقط یک اتفاق بوده است؟

منظره با کتاب

«دو قرن سکوت» با برخورداری از لحنی ادبی و حماسی، حمله اعراب مسلمان به ایران و سپس گسترش اسلام در دو قرن نخست پس از این حمله را خیلی تراز‌دیوار روایت کرده و به همین دلیل پر فروش شده و پرفروش هم مانده بود. این کتاب اما از همان سال‌های نخست چاپ، رقیب و جوابیه درست و حسابی هم داشت. شهید مطهری در یک مناظره مکتوب، در پاسخ به آنچه زرین کوب در کتابش نوشته است، «خدمات متقابل اسلام و ایران» را می‌نویسد و دیدگاه‌های خود درباره نفوذ و گسترش اسلام و همدش کتاب‌هایش بودند.



مجموعه داستان‌های عاشورایی به قلم سیدمحمد سادات اخوی منتشر می‌شود

«گوشه ششم عاشقی» برای نوجوانان

ورزش

پس از مخالفت صریح شورای شهر و شهردار مشهد برای تیمداری

تیم تازه‌وارد با اسپانسرش شهرداری روی تشک می‌رود

استیلی، نمازی، حسین فرکی و محمد تقوی

جانشینان مجیدی در حال گرم کردن



ادامه هفته سوم لیگ بر تر

استقلال دنبال نخستین پیروزی در شهر اولین‌ها

مجازآباد

دودستی تقدیم کردند



صفحه اینستاگرام «تاریخ ایران و جهان» از صفحات وابسته و دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، به مناسبت سالروز شهادت شیخ محمد خیابانی، روایتی را به نقل از رهبری منتشر کرد که در ادامه می‌خوانید: «هبر انقلاب: در قضیه مرحوم شیخ محمد خیابانی - که

تبریز یک‌تنه ایستاد - مسئله، مسئله قرارداد وثوق الدوله بود. در تهران، عمال حکومت ضعیف با یک قرارداد، امور مالی و امور نظامی کشور را دودستی تقدیم کردند به انگلیسی‌ها. تبریزی‌ها ایستادند. مرحوم خیابانی و دیگران در مقابل این قضیه بود که ایستادند و آن حوادث عجیب تبریز پیشامد کرد.

تبریز همیشه این‌طور بود».



«زن» سلیمانی» دختر سردار سلیمانی در واکنش به پست جنجالی صبا کمالی در اینستاگرام، در این شبیه اجتماعی نوشت: «خانم مثلاً بازیگر که وقتی نوشته‌تان را خواندم به مظلومیت سیدالشهدا پی بردم، شما اگر نیاز به دیده شدن دارید چرا پای اعتقادات و خط قرمز

محبان اهل بیت را وسط می‌کشید؟ خواندم و نوشید که مظلوم‌تر از اعیادالله، دختر آبی است! از این قسمت حرف‌تان فهمیدم که شما نه تنها درک و فهمی نسبت به واقعه کربلا و امام حسین(ع) و اهل بیتش ندارید بلکه هدف شما از انتشار این مطلب چیز دیگری است. توصیه‌ام این است همان‌طور که نوشتید در کتب خانه خود با امام حسین(ع) صحبت کنید نه بلند بلند».

فعالین معدنی!



پاکدل حالا تبدیل به یکی از داغ‌ترین سوژه‌های توئیتر شده است. در ادامه چند نمونه از پست‌های منتشر شده توسط کاربران را می‌خوانیم: «[این می‌تونه از حجم اظهارنظرهای مضحک سلبریتی‌های ما برق تولید کنه. می‌دونستین بعد از کار تو معدن، کار فعالین معدنی سخت‌ترین کار دنیاست؟... فعالین معدنی حتماً باید تو معدن کار کنن یا تو کارخانه آب معدنی هم باشن قبوله؟»

زنان علیه زنان



فضه سادات حسینی، گوینده خبر سیما با انتشار هشتگ #زنان_علیه_زنان در توئیتر نوشت: «وقتی که دغدغه و مسائل زنان را در سطح ورود به ورزشگاه تقلیل می‌دهند برای منافع سیاسی‌شان، فریادهای پدر دختر آبی را نمی‌شنوند و می‌گویند تو نمی‌فهمی! دخترت بیمار نبوده، کمخمش هم صادر شده ولو داغ‌گاه بگوید نه و... غافل از اینکه زنی در گوشه‌ای از شهر کشته شد و صدای یک نفرشان هم درنیامد».

